

گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه پایدار روستاهای کوهپایه‌ای – کوهستانی غرب مازندران (مورد: مسکن روستاهای دهستان دوهزار شهرستان تنکابن)

معصومه حسن‌نژاد* – دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه دولتی جمهوری ارمنستان، ایروان، ارمنستان.

تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۰ تیر ۱۴۰۳

چکیده

مقدمه: بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه از گردشگری به عنوان رکن اصلی سطح بهره‌وری در مناطق روستایی یاد می‌کنند. زیرا به سبب ایجاد اشتغال، اصلاح توزیع درآمد، حفظ محیط زیست روستا و فرهنگ بومی و جلب مشارکت مردم محلی، منافع روزافزونی را نصیب مناطق روستایی می‌سازد. التفات به جایگاه صنعت توریسم در روستاها از آن رو اهمیت دارد که می‌توان با بهره‌گیری مناسب از منابع طبیعی و انسانی آن، علاوه بر امکان رشد اقتصادی به ترویج بخش کشاورزی و تولید صنایع دستی محلی پرداخت و گامی در مسیر بهبود شرایط زیست محیطی و پاسداشت میراث‌های فرهنگی بومی و آداب و رسوم محلی در روستاها برداشت. این امر بخصوص در روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی به دلایل شرایط طبیعی خاص خود که فعالیت‌های کشاورزی از امکانی چون بهره‌مند شدن از کشاورزی بهینه و یا میزان درآمد مطلوب محروم می‌مانند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

هدف پژوهش: در این تحقیق تلاش شده است تا تأثیرات و پیامدهای این صنعت در تحول مسکن سنتی و بومی در ابعاد و جنبه‌های مختلف (فرم، معماری، کارکرد و ...) مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

روش‌شناسی تحقیق: این تحقیق از جنبه‌ی هدف کاربردی و از جنبه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌های استفاده شده در این تحقیق براساس اطلاعات و آمار و همچنین نظریات کارشناسان امر جمع‌آوری شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: مناطق روستایی دوهزار شهرستان تنکابن استان مازندران است.

یافته‌ها و بحث: نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کارکردهای مسکن در فرم سنتی با توجه به نوع معیشت و اقتصاد روستائیان (دامداری و باغداری) می‌باشد، اما در مسکن جدید این کارکردها حذف و یا جای خود را به کارکردهای جدید به تناسب نیاز ساکنان آن مسکن داده است. روستاهای برسه، میانکوه و بالااشتوج به دلیل مجاورت با جاده اصلی و خدمات و تسهیلات رفاهی بیشتر جاذب گردشگران بیشتری بوده‌اند. و نسبت به روستاهای هلوکله و پائین اشتوج که فاقد راه ارتباطی مناسب و امکانات و تسهیلات خدماتی و رفاهی هستند، بیشتر تحت تأثیر ساخت و ساز و فرهنگ گردشگران قرار گرفتند.

نتایج: نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در روند ارزیابی توسعه توریسم روستایی در محدوده مورد مطالعه (دهستان دوهزار) برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و اجرا مورد استفاده قرار گیرد تا پیشینه کارآمدی در دستیابی به اهداف توریسم در فرایند توسعه روستایی فراهم آید.

کلیدواژه‌ها: گردشگری روستایی، دهستان دوهزار، مسکن روستایی، روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی، توسعه پایدار.

مقدمه

امروزه صنعت گردشگری در دنیا، یکی از منابع مهم درآمد و در عین حال از عوامل مؤثر در تبادلات فرهنگی بین کشورهاست و به عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی جهان، حائز جایگاه ویژه‌ای است. زیرا رشد جهانی توریسم یک ثروت اقتصادی و جهانی را به ارمغان آورده است که در اولویت طرحها و برنامه‌های ملتها و جوامع سراسر جهان قرار می‌گیرد (Gunn, 2002: 18). به همین دلیل لازم است تا برنامه‌هایی نظیر گردشگری با ابزارها و تکنیک‌های پایدار مجهز گردد تا ضمن بهره‌وری دایمی از آن اثرات مخرب آن نیز کاسته شود. یکی از منابعی که امروزه توجه برنامه‌ریزان در امر گردشگری را بیش از پیش به خود جلب کرده روستاهاست. جهان روستایی بطور کلی یک بخش بسیار ارزشمند از میراث ماست و معماری بومی ویژه و منحصر به فرد یک منطقه هویت سرزمین خود را به خوبی حمایت و منعکس می‌کند (Dragaoni, 2008: 3). برخورداری از عوامل و جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی و طبیعی توان بسیار مساعدی را برای جذب گردشگران دور و نزدیک فراهم می‌کند. بنابراین با توجه به وضعیت مناطق روستایی و لزوم توسعه آن به صورت پایدار، توریسم روستایی می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای توسعه روستاها باشد (شریف‌زاده و مرادنژاد، ۱۳۸۱: ۵۲). یکی از این نواحی بسیار مستعد و توانمند به لحاظ جغرافیایی، بخصوص از نظر قابلیت‌های گردشگری به دلیل داشتن اقلیم معتدل و چشم‌اندازهای بدیل طبیعی نظیر؛ جنگلهای انبوه و شالیزارها و سواحل نیلگون خزر، بخش غربی استان مازندران است. از آنجائیکه درآمد حاصل از گردشگری به مراتب بیشتر از درآمد روستائیان از طریق فعالیت‌های کشاورزی است، این صنعت علی‌رغم تأثیرات منفی‌اش، در بسیاری از مناطق روستایی، با استقبال روبرو شده است. ضعف برنامه‌ریزی در صنعت گردشگری می‌تواند به این معنا باشد که روستا مورد هجوم بازدیدکنندگانی قرار می‌گیرد که دارای ارزشهای متفاوت فرهنگی هستند و همین امر می‌تواند موجب از هم گسیختگی فرهنگ روستا و کاهش مشارکت روستائیان در عرضه سنتها و آداب و رسوم محلی شود. (فتاحی کنعانی، ۱۳۸۴: ۳۹). هنگامی که سنت از بین برود سیمای کلی جامعه نیز دگرگون می‌شود. لذا به تدریج نهادهای گوناگونی در جامعه شکل می‌گیرند و نهادی شدن جامعه آغاز می‌گردد و این نهاد بخشی از وظایف سنت را عهده‌دار می‌شود که خود آن نهاد نیز با تغییرات جامعه متحول می‌گردد. به وجود آمدن الگوهای جدید مسکن اولین صورت این روند است (سامتی و شهنازی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). تغییرات حاصله در الگوی مسکن در روستاهای دهستان دوهزار مصداق این امر است که با تحول در شکل و معماری آن تمام عوامل مرتبط و زمینه‌ساز با مسکن نیز دچار دگرگونی و تحول گردیده‌اند. در همین رابطه به نقش گردشگری در تحول مسکن سنتی (سبک و شیوه معماری، کارکرد، فرم و ...) دهستان دوهزار پرداخته شده و سعی گردیده تا این دگرگونیها بررسی و پیامدهای ناشی از آن مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد.

روش پژوهش

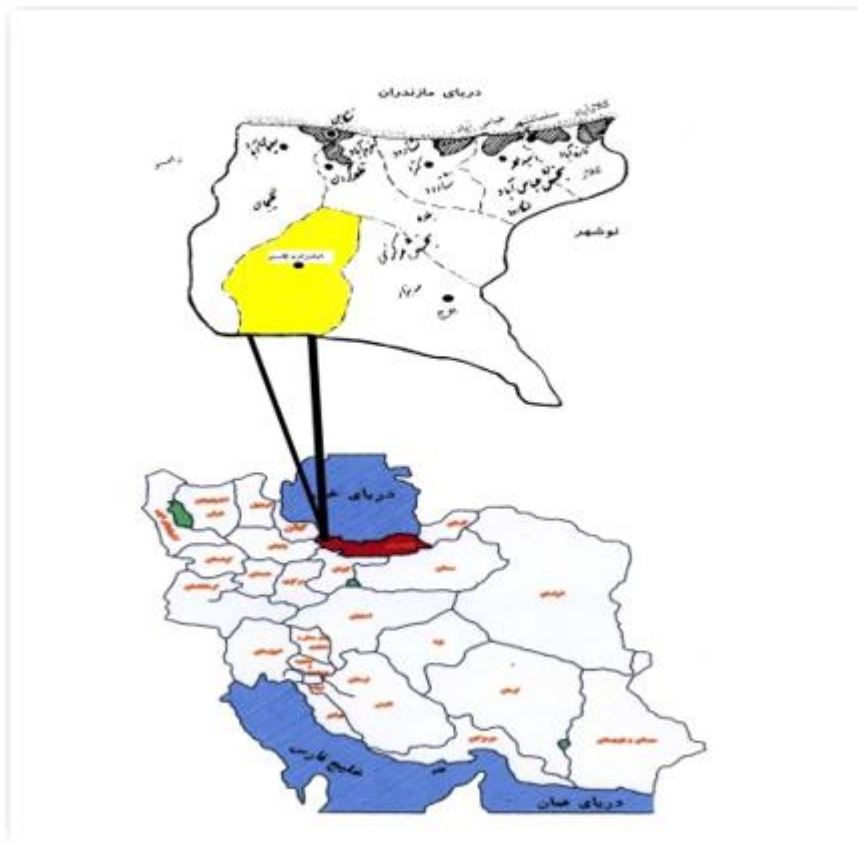
از آنجائیکه مهمترین هدف توسعه گردشگری روستایی، توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و دستیابی به رشد متوازن و توسعه همه‌جانبه درازمدت در روستاهاست (مقصودی، ۱۳۸۳: ۲۴)، به این منظور در محدوده مطالعه شده ضمن بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی تحلیلی برای گردآوری اطلاعات و منابع از روش اسنادی- کتابخانه‌ای در قالب آمار سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۶۵-۸۵ و سالنامه‌های آماری استان مازندران و روش مطالعات میدانی در قالب مشاهده، مصاحبه و نیز تکمیل پرسشنامه خانوارهای روستایی در سطح ناحیه مورد مطالعه، استفاده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش عبارتند از خانوارهای ساکن در روستاهای دهستان دوهزار، مسئولین و دستگاهها و نهادهای مرتبط با روستا و گردشگران که به این ناحیه می‌آیند. در این دهستان ۱۶ آبادی دارای سکنه وجود دارد که در مجموع دارای ۳۶۵ خانوار می‌باشد که به صورت تصادفی پنج روستای برسه، هلوکله، پایین اشتوج، بالا اشتوج، میانکوه به عنوان نمونه براساس روش‌های آماری (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۱۳۵)، برای تحقیق انتخاب شدند. در رابطه با مسئولین به دلیل تعداد اندک آنها برای همه پرسشنامه تهیه گردید و برای تعیین حجم تعداد کل خانوارهای نمونه، ۱۸۷ خانوار به صورت نمونه‌گیری تصادفی منظم انتخاب شدند. در انتخاب نمونه از بین گردشگران چون اطلاعات دقیقی از میزان آنها در دست نبوده ۳۸۴ گردشگر از طریق فرمول زیر برگزیده شدند (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

$$n = \frac{t^2 pq}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

قلمرو جغرافیایی پژوهش

دهستان دوهزار، از توابع شهرستان تنکابن واقع در استان مازندران می‌باشد. دهستان مذکور جزء بخش مرکزی شهرستان می‌باشد که از شمال به دهستان خرم‌آباد از شرق به دهستان سه‌هزار، از غرب به دهستان گلیجان و شهرستان رامسر و از جنوب به رشته‌کوه‌های البرز، الموت و معلم کلایه و استان قزوین متصل است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۴). و جزئی از حوزه آبریز رودخانه چشمه‌کیله می‌باشد. از لحاظ وسعت بین دهستانهای بخش مرکزی تنکابن، کمترین وسعت را داراست. در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن حدود ۱۴۲۶ نفر ۳۶۵ خانوار بوده است. تعداد آبادیهای آن حدود ۴۴ آبادی برآورد گردیده که ۱۶ آبادی آن دارای سکنه و ۲۸ آبادی خالی از سکنه است (سازمان برنامه و بودجه: ۸۵-۱۳۶۵). از لحاظ موقعیت ریاضی این محدوده در مختصات جغرافیایی ۵۰ درجه و ۳۵ دقیقه الی ۵۰ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه الی ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۴). از لحاظ توپوگرافی حدود ۹۵ درصد از محدوده مورد مطالعه را سطوح کوهستانی و ارتفاعات تشکیل می‌دهد. بلندترین نقطه ارتفاعات سیلان است که ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۴۲۲۵ متر می‌باشد که در غرب دهستان واقع شده و پست‌ترین نقطه که ارتفاع آن حدود ۳۰۰ متر از سطح دریا است محلی به نام تک ساختمان راش می‌باشد. آبادیهای این دهستان در ارتفاعات ۳۰۰ تا ۲۰۰۰ متر استقرار یافته‌اند، که حدود ۸۰ درصد آنها در ارتفاعات ۱۵۰۰ الی ۱۶۰۰ متر واقع هستند (حسن‌نژاد، ۱۳۸۱: ۶۵). بنابراین روستاهای دهستان در دو محدوده کوهپایه‌ای و کوهستانی واقع گردیده‌اند که آب و هوای آن تحت تأثیر توده‌های هوایی مختلف با منشأهای متفاوت است. در مجموع ناحیه موردنظر دارای آب و هوای مرطوب سرد می‌باشد (ایستگاه هواشناسی رامسر، ۱۳۸۸). وجود چشم‌اندازها و مناظر دل‌انگیز و زیبایی منطقه و آب و هوای مطبوع آن، عاملی مؤثر در جذب گردشگران به محدوده مورد مطالعه می‌باشد. در این ارتباط در سالهای اخیر روند فزاینده حضور گردشگران، به شکل انبوه و بدون توجه به ظرفیت زیرساختها، فرهنگ بومی و ... ناپایداری سکونتگاههای روستایی را از ابعاد اکولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی در این ناحیه در پی داشته است.



شکل ۱. نقشه تقسیمات سیاسی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

از آنجائیکه یک بنا نشان‌دهنده کنش‌های متقابل عوامل متعدد و رابطه پیچیده آنهاست و تنها یک عامل در به وجود آمدن شکل کلی مسکن مهم تلقی نمی‌شود (زرگر، ۱۳۷۸: ۳۰). بنابراین عوامل بسیاری در شکل‌دهی و معماری مسکن روستایی دخیل می‌باشند که تأثیر این عوامل را باید در کنار یکدیگر و به صورت متقابل جستجو نمود. از عوامل مهم و تأثیرگذار در مسکن محدوده مورد مطالعه، بر روی شکل و بافت مسکن، می‌توان به دو مورد مهم اشاره نمود:

تأثیر محیط طبیعی بر بافت سکونتگاه

محیط طبیعی گردهاگرد روستاها و پدیده‌های ناشی از آن شکل‌گیری فرم خاصی از مسکن را سبب گردیده است. شرایط جغرافیایی ناحیه سبب گردیده تا در روستاهای این منطقه سرد و مرطوب، روستائیان با انواع تمهیدات در پی حفاظت زیستگاه‌های خویش در مقابل سرمای محیط برآیند. خواه با محدود ساختن روزه‌های ساختمان به بیرون، خواه با جلوگیری از نفوذ باد و هوای سرد به داخل بنا و یا استفاده از دیوارهای ضخیم، شیب‌دار ساختن بام خانه برای هدایت آب باران به روی زمین، پستی و بلندی زمین، جنس خاک، هریک به نوعی اثر خود را در مسکن آشکار ساخته‌اند. در این منطقه سردسیر همه تلاش بر این بوده است که از حداقل ماده سوختی حداکثر استفاده به عمل آید و از اتلاف آن جلوگیری شود. تراکم بافت، ضخامت دیوارها و سقف، انتخاب مصالح مناسب و امثال آن اقداماتی است که در این راستا انجام می‌شود. بارندگی زیاد منطقه سبب شکل‌گیری بام به صورت شیب دار شده است و پلان فشرده ویژگی معماری مسکن در این ناحیه است. سردی هوا باعث فشرده‌گی ساختمان می‌شود که در این رابطه حجم با پلان مربع بهترین فرم شناخته شده است. چون کمترین سطح خارجی را در برابر بیشترین حجم ارائه می‌دهد. در این روستاها، فرم‌های بسته و فشرده همراه با ارتفاع یافتن مسکن از حیث دوطبقه‌بودن، قابل توجه هستند. در این منطقه به علت محدودیت زمین، به منظور بهره‌برداری هرچه بیشتر از زمین‌های قابل کشت، خانه‌ها را بر روی دامنه‌هایی ساخته‌اند که دارای شیب تندی هستند و آمادگی لازم و کافی برای بهره‌برداری زراعی ندارند. در مقابل زمین‌هایی را که دارای شیب کمتر و ملایمتری هستند را تسطیح کرده و یا به صورت پلکانی درآورده‌اند و سپس برای کشت و زرع آماده نموده‌اند. در روستاهای ناحیه شیب طبیعی در راستای شمال به جنوب و به گونه‌ای است که ارتفاع از سمت شمال به جنوب کاهش می‌یابد. جنس زمین نیز در نحوه شکل‌گیری و معماری مسکن ناحیه مؤثر است. زیرا به منظور پرهیز از صرف مصالح و انرژی، یکی از اقدامات متداول، انتخاب زمینهای سخت برای خانه‌سازی است. از عوامل طبیعی دیگر به جز عامل زمین و اقلیم، منظر و چشم‌انداز منطقه مورد مطالعه است. از آنجائیکه دوهزار کوهستانی است و با وجود پوشش گیاهی از نوع جنگلی به دلیل زمستان‌های سرد، تابستان‌های معتدل و آب و هوای مطبوع و نشاط‌آور در فصول بهار و تابستان سبب به وجود آمدن شکل خاصی از مسکن و آینده‌نگری‌های دقیقی شده است. به طوری که زمین مسکونی از زراعی متمایز شده است و خانه‌ها در مکانی استقرار یافته‌اند که ناظر بر چشم‌انداز طبیعت باشد. وجود این چشم‌اندازها و مناظر زیبای طبیعی سبب جذب تعداد زیادی از گردشگران در فصول مختلف سال بخصوص بهار و تابستان به منطقه شده است.

بررسی تأثیر محیط مصنوع بر بافت سکونتگاه

اصولاً با افزایش ارتباطات و سهولت دسترسی به نقاط مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مانند؛ نقاط شهری اطراف دهستان، اهمیت محورهای مواصلاتی بیشتر از گذشته بر روستائیان مشخص شده است. از سال ۱۳۶۵ با احداث جاده آسفالت‌دهستان به شهرستان تنکابن، بافت روستاها نسبت به نحوه قرارگیری معابر ارتباطی و شدت و ضعف آمدوشد یا به عبارتی اهمیت اقتصادی آنها، موقعیت‌های متفاوتی را به خود گرفته است. به طوریکه روستاهای نمونه هلوکله و پائین اشتوج به دلیل فاصله زیاد از جاده اصلی، کمتر تحت تأثیر تحولات ناشی از ورود گردشگران قرار گرفته‌اند و فرهنگ و سنت‌های روستایی در آنها بیشتر حفظ و دست‌نخورده باقی مانده است. در حالیکه استقرار روستاهای برسه، میانکوه و بالااشتوج در کنار جاده اصلی، سبب گردید تا این روستاها هم از لحاظ جمعیتی و هم امکانات خدماتی، بهداشتی، آموزشی و میزان تأثیرپذیری از اثرات گردشگری (تحول در مسکن سنتی، آداب و سنت‌های روستایی و محیط‌زیست روستایی و ...) نسبت به روستاهای هلوکله و پائین اشتوج در وضعیت متفاوت تری قرار داشته باشند. به طور کلی مجموعه مشاهداتی که در دهستان دوهزار از زیستگاه‌های روستایی مختلف به عمل آمده، تأکید بر وجود ارتباط مستقیمی بین تراکم مسکن در بافت و شرایط اقتصادی و نوع معاش دارد. در روستاهای دوهزار به دلیل وجود آب کافی، مساعد بودن وضع مالکیت بر روی زمین‌ها در بخش کشاورزی و نیز سرسبزی مراتع، گستردگی و قابل

بهره‌برداری بودن آنها در بخش دامداری و... سبب گردیده تا در روستاهای مورد مطالعه معیشت دامداری و باغداری و یا توأمی از هر دو رونق یابد. طبق سرشماری‌های انجام گرفته از این منطقه و شواهد به دست آمده در گذشته به سبب دلایلی که ذکر گردید، روستاها دارای بافتی گسترده و پرجمعیت تر از اکنون بوده است. اگرچه آب به عنوان عامل حیاتی و تعیین کننده نقش مهمی در بهبود شرایط کار و رونق کشت و زرع داشته است اما در مقابل، کمبود نسبی زمین‌های هموار در این نواحی کاملاً محسوس است. باین همه نوع معیشت که مبتنی بر دامداری و باغداری است، سبب گشته تا بازده اندک همان مقدار اراضی و درآمد حاصل از دامداری، تراکم بسیاری را در روستاهای منطقه در گذشته پدید آورد. ورود گردشگران بخصوص در فصول خاص که سبب افزایش جمعیت در منطقه حتی گاهی اوقات بیشتر از ساکنین روستا می‌شود، به عنوان عامل محرکی جهت کاهش فعالیت‌های کشاورزی، کسب سود بیشتر از طریق فروش زمین‌ها و دام است. همچنین به دلیل معیشت متکی به دامداری، در اطراف دهستان در ارتفاعات بالاتر مراتع سرسبز واقع شده است که هر روستا دارای مرتعی برای دام‌های خود می‌باشد. این نحوه معیشت سبب شده تا با توجه به این کارکرد ویژه، مسکن در دو طبقه ساخته شوند که دارای انتظام و استحکام بیشتری در قیاس با مسکن متداول روستایی می‌باشند. مسکن در روستاهای نمونه به صورت قطعاتی مجزا در جهات گوناگون بنا شده‌اند. وجود فاصله بین مسکن و نداشتن مرز و حریم سبب شده تا عبوری‌ها و دسترسی‌ها از نظم خاصی برخوردار نباشند. طوری که روستا دارای عبوری‌های بسیاری است که فاقد امتداد مسیر مشخصی می‌باشند و به علت واقع شدن مسکن و استقرار آنها روی شیب دامنه، عبور و مرور وسائط نقلیه تا نقاط دورتر روستا بیشتر صورت نمی‌گیرد. نمونه فرم نامتراکم و نامنظم روستاهای منطقه را می‌توان در سکونتگاه‌های روستایی هسن آلمان و ترکیه (سعیدی، ۱۳۷۳: ۶۴)، مقدونیه (Altiparmakovska, 2008 :8) و اسلواکی (Gaukstad, 2008 :13) مشاهده نمود.



تصویر ۱. روستای هلوکله - دهستان دوهزار

تغییر شرایط کار و معاش تحت تأثیر بوم مصنوع در درازمدت سبب دگرگونی‌های در واحد مسکونی شده است. در واقع کمترین تأثیر را می‌توان در عدم احتیاج ساکنین خانه به فضاهایی که در خانه‌های سنتی جنبه تولیدی داشت، ملاحظه نمود. بنابراین معیشت جدید و تأثیر عوامل مصنوع، گرایش به زندگی خصوصی‌تر را مطرح می‌سازد. و در نتیجه در واحدهای مسکونی جدیدی که تحت تأثیر این گونه شیوه معیشت احداث می‌گردند، چندان نشانی از گسترش‌های بعدی به مانند واحدهای سنتی و ایجاد عناصر متعدد تولیدی و نیز اسکان بیش از یک خانوار را نمی‌توان مشاهده نمود. باتوجه به جدول شماره ۱ که جمعیت مشاغل روستاهای نمونه را نشان می‌دهد، روستاهای برسه و میانکوه و بالااشتوج که بالاترین درصد شاغلین را در بخش‌های خدماتی بخصوص مشاغل کارگری و ساختمانی دارا هستند، تغییرات و تحولات در مسکن به نسبت روستای هلوکله و پائین اشتوج بیشتر به چشم می‌خورد. در این سه روستا، تعداد شاغلین در بخش دامداری و زراعت نسبت به سال‌های گذشته رقم کمتری را نشان می‌دهد که این امر خود می‌تواند در نوع نیاز و خواسته افراد باتوجه به شغل و نحوه درآمد، تأثیر بگذارد. در مجموع این

عامل سبب گردید تا واحدهای مسکونی در این روستاها، صورتی منفرد، محصورتر و محدودتر همراه با ابعادی مشخص و تقریباً دائمی به خود بگیرد.

جدول ۱. توزیع جمعیت شاغل در روستاهای نمونه و مقایسه آن با جمعیت شاغل دهستان دوهزار سال ۱۳۸۵

ردیف	نام روستا	تعداد جمعیت	افراد ۱۰ ساله و بیشتر	تعداد شاغلین	درصد شاغلین
۱	برسه	۲۵۲	۲۲۸	۵۸	۲۵/۴
۲	میانکوه	۹۳	۱۲۳	۲۸	۲۳
۳	پائین اشتوج	۵۳	۸۶	۲۱	۲۴/۴
۴	بالا اشتوج	۱۱۹	۱۱۹	۲۵	۲۱
۵	هلوکله	۶۹	۹۳	۱۴	۱۵
	جمع نقاط نمونه	۵۸۶	۶۴۹	۱۴۶	۲۲/۴
	دهستان دوهزار	۱۴۹۷	۱۱۸۴	۲۲۸	۲۳/۶

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۸۶، فرهنگ آبادی های شهرستان تنکابن سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

تیپ‌های بارز مسکن روستایی کوهپایه‌ای - کوهستانی در دهستان دوهزار

مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستاها را نیز در برمی‌گیرد و به گونه‌ای متقابل با آن پیوند می‌خورد. گونه‌های موجود مسکن روستایی مصادیق بارز این ویژگی محسوب می‌شوند (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۱).
مسکن سنتی، بومی: این مسکن شامل دو گونه‌اند که به ترتیب قدمت ساخت آنها به مسکن دارورچین^۱ و زیگامه تقسیم می‌شود.
مسکن جدید (بلوکه): این مسکن با الهام از سبک مسکن شهری و با مصالح بکار رفته در آن بنا شده‌اند که قدمت آنها ناچیز و حدود ۱۰ تا ۱۵ سال می‌باشد.

جدول ۲. تعداد و درصد انواع مسکن روستایی در روستاهای نمونه دهستان دوهزار سال ۱۳۸۹

ردیف	نام روستا	انواع مسکن			جمع	درصد		جمع
		دارورچین	زیگامه	بلوکه		زیگامه	بلوکه	
۱	برسه	۸	۳۰	۲۱	۵۹	۱۶	۵۱	۳۳
۲	میانکوه	۶	۲۶	۱۹	۵۱	۱۵	۵۱	۳۴
۳	پائین اشتوج	۳	۱۵	۶	۲۴	۱۲/۵	۶۲/۵	۲۵
۴	بالا اشتوج	۲	۱۴	۱۰	۲۶	۸	۵۴	۳۸
۵	هلوکله	۴	۱۹	۴	۲۷	۱۵	۷۰	۱۵
	جمع نقاط	۲۳	۱۰۴	۶۰	۱۸۷	۱۴	۵۶	۱۴

منبع: مطالعات میدانی - ۱۳۹۲

با توجه به عوامل مؤثر در بافت روستا، روستاهای برسه، میانکوه و بالا اشتوج به دلیل برخورداری از موقعیت ارتباطی خدماتی و زیربنایی مناسب، گردشگران بیشتری را نسبت به روستاهای هلوکله و پائین اشتوج به خود جذب کرده که این امر سبب شده تا مسکن در روستاهای نامبرده بیشتر دستخوش تحول و دگرگونی گردند.

^۱ . به نوعی از مسکن گفته می‌شود که دیوار آنها با تیرها یا تخته‌های درخت که با نظم و روش خاصی از طرف پهلو بر روی هم چیده شده‌اند و فضای بین آنها با گل پر شده باشد.

دسته‌بندی فرم‌های مسکن و نحوه ساخت آن

معماری بومی بخش مهمی از میراث فرهنگی یک سرزمین می‌باشد که نشان‌دهنده تجلی هنر در داخل بناهای محلی ناشناخته و بی‌نام است (9: 2008, Altiparmakovska). با توجه به فرم‌های متفاوت مسکن در روستاهای مورد مطالعه به بررسی و طرز ساخت گونه‌های متفاوت مسکن سنتی روستایی به طور اجمال اشاره می‌شود:

۱- مسکن دارورچین: اینگونه ابنیه بیشتر در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای و مناطقی که به جنگل نزدیک است، ساخته می‌شوند. کلمه دارورچین از سه لغت دار، به معنی درخت و ور به معنی پهلو و چین به معنی چیدن تشکیل شده است. ساخت دارورچین اغلب به صورت یک اتاقی با بام لته‌سر اجرا می‌شود. طرز اجرا بدین صورت است که ابتدا محل ساختمان و دیوارهای آن را برروی زمین مشخص می‌کنند. سپس قدری محل زیر دیوارها را کنده و با قلوه‌سنگ و سنگ‌های نسبتاً درشت آن را پر می‌کنند تا از رسیدن رطوبت زمین به چوب جلوگیری شود. آخرین ردیف سنگ‌ها را بصورت تراز می‌چینند تا الوارها به حالت افقی و یکنواخت روی هم قرار گیرند. پس از چیدن الوارها، تنه‌های درخت نسبتاً قطوریکه گاهی اوقات آنها را به صورت چهارتراش (سکت) بریده‌اند را به صورت جفت جفت و بطور عمودی در دو طرف هر دیوار در زمین می‌کوبند. این سکت‌ها جهت پایداری و اتصال در انتهای الوارها قرار داده می‌شوند. باید اضافه شود که در این حالت بین هر دو الوار، به اندازه یک الوار فاصله ایجاد می‌شود. پس از اتمام چیدن الوارها، یک خرپای چوبی برروی ساختمان می‌سازند و روی آن را با «تخته‌لت» پوشش می‌دهند. در این گونه ابنیه به ندرت پنجره تعبیه می‌شود و نور آفتاب و جریان هوا از بین درز الوارها و در ورودی، به داخل ساختمان وارد می‌شود. در فصول سرد، یک لایه اندود کاهگل بین درز الوارها و گاهی روی کل دیوار می‌مالند تا گرما در داخل بنا حفظ شود. مسکن با دیوار دارورچین و بام لته‌سر ماوی و مامن کوهنشینان است.

- بام لته سر: نوعی از پوشش سقف است که در مسکن سنتی اجرا می‌گردد. جهت اجرا ابتدا زگالها را به صورت موازی و به فاصله سی سانتیمتر از یکدیگر روی خرپا می‌بندند. سپس تخته لته‌ها را به ترتیب از پائین به بالا برروی زگالها می‌چینند به نحوی که هر ردیف بالایی برروی ردیف پائینی قرار گیرد، و بیش از نیمی از آن را بپوشانند. بدین ترتیب هنگام بارندگی آب از ردیف بالایی برروی سطح ردیف پائین‌تر هدایت می‌شود. در زمان چیدن تخته لته‌ها، بین هر دو تخته حد نیم الی یک سانتیمتر فاصله می‌گذارند تا در هنگام بارندگی که تخته‌ها منبسط می‌شوند، به یکدیگر فشار نیاورند و جابجا نشوند. البته در چیدن تخته لته‌ها توجه می‌کنند که هر تخته لت بالایی روی درز تخته لت پائینی را بپوشاند تا آب از بین درزها به داخل بنا نفوذ نکند. نکته حائز اهمیت اینکه هیچ اتصالی بین این تخته‌ها و زگالهای زیر آن وجود ندارد و اغلب برای اینکه هنگام وزش باد، این تخته‌ها جابجا نشوند، روی آنها قلوه‌سنگ قرار می‌دهند. البته اگر وزش باد شدید باشد، این قلوه‌سنگها نیز جابجا می‌شوند و در صورت وقوع زلزله، تخته لته‌ها به علاوه قلوه‌سنگها فرو خواهند ریخت. لذا از لحاظ پایداری، این نوع بام بسیار نامطمئن و خطرناک است. تخته لت را غالباً با قطعه‌قطعه کردن و یا ورقه نمودن چوب درخت توسکا، بلوط و یا جنگل بدست می‌آورند. در ایران ابعاد این تخته‌ها استاندارد نیست، هرچند که می‌توان گفت که ضخامت آن حدود یک الی دو سانتیمتر و طول و عرض آن حدوداً ۲۵ در ۴۰ سانتیمتر است. این نوع پوشش در مقابل عوامل جوی دوام چندانی ندارد و در مقابل آفتاب خشک و پوسیده می‌شود، در برابر بارندگی نیز خیلی مقاوم نیست و آب را از خود به داخل بنا انتقال می‌دهد. همچنین باران باعث رشد خزه برروی آن می‌شود که به پوسیدگی و از بین رفتن آن کمک می‌کند. باد هم باعث جابجائی تخته‌ها می‌شود. ولی با همه این احوال، این نوع پوشش در نواحی کوهپایه‌ای بسیار متداول است و به جز ابنیه مسکونی و انبار، حتی امامزاده‌ها و تکایا نیز در این نواحی به این روش پوشش می‌شود. نمونه و نحوه ساخت این نوع مسکن را می‌توان در ترکیه بخصوص در منطقه بولو و حوالی آن که ساخت این نوع مسکن به دلیل وجود جنگلهای فراوان متداول است، مشاهده نمود.



تصویر ۲. روستای پایین اشتوج- دهستان دوهزار

۲- **مسکن زیگامه:** نوع دوم خانه‌های بومی و سنتی که قدمتی کمتر از مسکن دارورچین دارند، به نام خانه‌های زیگامه معروف است. قدمت این خانه‌ها حدود ۳۰ سال می‌رسد و در حقیقت شکل کامل‌شده‌ای از مسکن دارورچین می‌باشد که پس از یکجانشین شدن به صورت دائم آن را تغییر داده‌اند.



تصویر ۳. روستای برسه - دهستان دوهزار

۳- **مسکن جدید (بلوکه):** این مسکن در حقیقت به تقلید و الگوبرداری از مسکن افراد غیربومی در منطقه ساخته شده که از مصالح جدید و با فونداسیون پرهزینه و مقاوم می‌باشد. در واقع یکی از جنبه‌های تأثیرگذار گردشگران، تحول در نوع و شکل ساخت مسکن است. از آنجائیکه گردشگران تعدادشان بسیار زیاد است و همه آنها دارای مسکن شخصی نیستند، بنابراین تعداد زیادی از آنان مسکن روستایی را جهت اقامت اجاره می‌کند. این عامل انگیزه‌ای برای تخریب مسکن سنتی و ساخت مسکن با مصالح و سبک شهری در روستائیان گردیده است. زیرا گردشگران بیشتر به اجاره مسکن جدید با وسایل رفاهی بیشتر رغبت نشان می‌دهند. این مسئله تعدادی از روستائیان را واداشته تا به صورت انفرادی یا مشارکتی به ساخت مسکنی با مصالح جدید اقدام نمایند.



تصویر ۴. روستای میانکوه - دهستان دوهزار

خصوصیات کلی فرم ابنیه سنتی کوهپایه‌ای و کوهستانی غرب مازندران

- (الف) بام ساختمان بصورت شیب‌دار
- (ب) ایوان در اطراف ساختمان
- (ج) شکل ساختمان بصورت برون‌گرا
- (د) شکل ارتفاعی مسکن (دوطبقه‌بودن)
- (هـ) وجود کرسی در ساختمان (کف طبقه همکف بالاتر از سطح زمین)
- (و) استفاده از تهویه دو طرفه (مهندسین مشاور میراث فرهنگی، ۱۳۸۷: ۷).

فرم و کارکرد بنا

فرهنگ معماری در منطقه دوهزار با توجه به شرایط محیط طبیعی و دیگر عوامل مؤثر از جمله فضا و زمین کم و محدود، وجود شیب زیاد منطقه، شرایط خاص آب و هوایی، حاوی خصوصیات منحصر به فرد و در عین حال متفاوتی است که بناهای بومی این منطقه را از بناهای واقع در ارتفاعات کمتر و یا بناهای مستقر در جلگه، تفکیک کرده است. در این دهستان اکثر خانه‌ها دارای سقف‌های کوتاه و اغلب بر روی سکویی قرار گرفته‌اند که به منظور متعادل ساختن شیب زمین و جلوگیری از نفوذ رطوبت خاک به داخل اتاقها ایجاد گردیده است. مجموعه این دو عامل یعنی ارتفاع بیشتر بنا و وجود سکو در زیر آن، مسکن کوهپایه و کوهستان را از مسکن واقع در جلگه، بلندتر می‌نماید. در روستاهای پایین‌اشتوج، میانکوه و هلوکله مشکل زمین و ابعاد آن اجازه گسترش خانه در سطح را نداده است. بنابراین علاوه بر کمبود زمین و وجود شیب زیاد منطقه، عامل اقتصادی و نحوه معیشت روستائیان نیز بر فرم و نحوه معماری مسکن روستاهای مورد مطالعه، تأثیر شگرفی برجای می‌گذارد. همانطور که اشاره گردید فعالیت مسلط اکثر روستائیان دامداری و باغداری است. لذا فضای مسکن در رابطه با نوع و یا ترکیب این فعالیتها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و فرم دو طبقه را در ناحیه مورد مطالعه سبب می‌گردد که طبقه زیرین بنا به محل‌های نگهداری دام اختصاص دارد و بخش مسکونی شامل اتاقها و ایوان خانه که می‌بایستی از نور و تهویه مناسب برخوردار باشند، در طبقه فوقانی ساخته شده است. این تفکیک علاوه بر جدایی عملکردها و عرصه‌های انسان و دام، ضامن این خاصیت نیز هست که زیرکف اتاقها که در اصل سقف طولیها و آغلهاست، به دلیل عدم اتصال به زمین از یک سو و از طرف دیگر تنفس و سوخت و ساز بدن حیوانات تا حدودی گرم می‌باشد. در حقیقت استفاده حداکثر از فضاهای موجود خانه نشانگر محدود و فشرده‌بودن ابعاد و مساحت مسکن و عدم توسعه فیزیکی آن در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت مسکن سنتی و بومی در ناحیه کوهپایه‌ای و کوهستانی غرب مازندران دارای ۳ کارکرد ویژه می‌باشند:

✓ محل نگهداری و انبار محصولات و ادوات کشاورزی

✓ محل سکونت افراد

✓ محل زندگی دام و انبار علوفه

این سه کارکرد در مساکن سنتی به وضوح مشاهده می‌گردد و در مساکن جدید این سه کارکرد جای خود را به دو کارکرد ویژه می‌دهد.

✓ محل نگهداری محصولات و وسایل کشاورزی که هم در طبقه همکف و هم در فضای بین بام خانه و سقف صورت می‌گیرد.

✓ محل سکونت افراد خانوار که در طبقه فوقانی صورت می‌گیرد.

نمونه مساکن روستایی با سه کارکرد ویژه را می‌توان در روستاهای مدیترانه‌ای و همچنین بعضی نقاط روستایی کشور فرانسه مشاهده نمود.

مواد و مصالح مورد استفاده در مساکن سنتی و جدید

انواع مصالحی که در مساکن سنتی بکار می‌رود شامل:

- خاک: عمده‌ترین و اصلی‌ترین مصالح در مساکن دارورچین و زیگامه می‌باشد که به شکل‌های گوناگون در ایستایی بنا، جداسازی فضاها و پوشش دیوارها از آن استفاده شده است.

- چوب: چوب از رایج‌ترین مصالح بکار رفته در بناهای سنتی منطقه بوده و کاربردهای گوناگون و جزئیات متنوع دارد. به دلایل مختلف نیز سهولت اجرا، عدم نیاز به مهارت خاص، صرف نیروی کار کمتر و فراوانی آن در منطقه نقش غالب را دارد.

- سنگ: یکی از مهمترین مصالح در دسترس روستائیان منطقه سنگ است. سنگ یکی از مصالح عمده در زیرسازی ساختمان (کرسی چینی و پی‌سازی) و ساخت پله به شمار می‌رود.

به مرور زمان و ایجاد تحول در مساکن روستایی، مصالح بکار رفته در مساکن تغییر یافته و جای خود را به مصالح شهری و پرهزینه‌تر داده است که مهمترین آنها عبارتند از:

- گچ: گچ از جمله مصالحی است که در ساخت مساکن جدید به صورتهای گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد (عنصر تزئینی بنا، اندود داخلی، ملات مقاوم).

- آهن: از جمله مصالح غیرمحملی که از خارج منطقه تهیه شده آهن می‌باشد به دلیل قابلیت‌های متنوع اجرائی، استحکام و دوام و سادگی بکارگیری و اجرا، علیرغم مشکلاتی که تهیه آن دربردارد، امروزه به مرور در روستاهای نمونه استفاده از آن آغاز شده است. بیشترین مورد مصرف این ماده در بناهای نوساز، ساخت درب و پنجره‌های فلزی، ستونهای فلزی در ایوان خانه‌ها، تیر باربر در سقف، نرده‌های فلزی و غیره است.

- آجر: این ماده ساختمانی بندرت در ساخت واحدهای مسکونی جدید مورد استفاده قرار گرفته است. عدم بکارگیری آجر را می‌توان ناشی از گرانتربودن آن و دور از دسترس بودن محل تهیه آن دانست. استفاده از آجر تنها در یک مورد در روستای بالااشتوج و یک مورد در روستای برسه مشاهده گردیده است.

- بلوک سیمانی: از سال ۱۳۶۵ تاکنون با تأثیرپذیری از مساکنی که گردشگران و افراد غیربومی در منطقه بنا نموده‌اند روستائیان از این ماده علیرغم محدودیتهای آن مانند هزینه زیاد آن نسبت به مصالح بومی و انتقال سریع حرارت، از این ماده برای ساخت بنای مسکونی خود استفاده می‌کنند. تعداد مساکنی که از این ماده در آن استفاده شده است در روستاهای برسه و بالااشتوج ۳۳ و ۳۸ درصد، در روستای میانکوه ۳۴ درصد و در روستای پائین اشتوج و هلوکله ۲۵ و ۱۵ درصد مشاهده گردیده است.

جدول ۳. انواع مصالح مورد استفاده و درصد آن در مسکن روستائی روستاهای مورد مطالعه سال ۱۳۸۹

ردیف	نام روستا	مصالح		درصد		جمع
		نوع اول (چوب و گل)	نوع دوم (بلوک سیمانی، آهن)	نوع اول	نوع دوم	
۱	برسه	۳۸	۲۱	۶۷	۳۳	۱۰۰
۲	میانکوه	۳۲	۱۹	۶۶	۳۴	۱۰۰
۳	پائین اشتوج	۱۸	۶	۷۵	۲۵	۱۰۰
۴	بالا اشتوج	۱۶	۱۰	۶۷	۳۸	۱۰۰
۵	هلوکله	۲۳	۴	۸۵	۱۵	۱۰۰
	جمع نقاط نمونه	۱۲۷	۶۰	۱۸۷	۳۰	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی-۱۴۰۲

از مشاهده ارقام فوق می‌توان گفت در روستاهایی که درصد بالایی از گردشگران را جذب نموده‌اند، مصالح نوع سوم در آنها بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

در ۲۵ سال اخیر ۳۰ درصد مسکن منطقه از مصالح جدید بنا گردیده‌اند و می‌توان پیش‌بینی کرد که روستائیان در سالهای آینده مسکن سنتی خود را رها کرده و در مسکن جدید مستقر می‌گردند. بخصوص اعطای تسهیلات بانکی که از طرف دولت به آنها واگذار می‌گردد، انگیزه‌ای مؤثر در این زمینه می‌باشد.

شرایط فیزیکی مسکن روستایی (کیفیت مسکن)

قدمت و عمر مسکن

یکی از شاخص‌هایی که در بررسی و ارزیابی کیفی بنا اهمیت دارد، عمر ساختمان می‌باشد که در مجموع نشان می‌دهد چند درصد از بناها قابلیت سکونت داشته‌اند و یا به دلیل اتمام عمر مفید از رده سرمایه‌های موجود خارج می‌شوند (فرهنگی منش، ۱۳۷۴: ۴۸۲). تاریخ سکونت در ناحیه مورد مطالعه چندان قدیمی نمی‌باشد و ناشی از شیوه معیشت و زندگی روستائیان منطقه می‌باشد. مسکن دارورچین از مسکن اولیه‌ای می‌باشد که در منطقه بنا شده و تاریخ شکل‌گیری و ساخت این مسکن به قبل از سالهای ۱۳۴۰ می‌رسد که قدمتی حدود ۶۰ تا ۷۰ سال دارند. بعد از آن ساخت مسکن زیگامه در منطقه رایج گشت که به دلیل وفور چوب در ناحیه، سهولت ساخت آن، سازگاری با محیط طبیعی منطقه و عدم نیاز به مهارت خاص، تعداد این مسکن در منطقه افزایش یافت به طوری که در حال حاضر نیز تعداد بیشتری از مسکن ناحیه مورد مطالعه (۵۷ درصد) را شامل می‌گردد. از سال ۱۳۶۵ با احداث جاده آسفالت، سهولت دسترسی به شهر و افزایش تعداد گردشگران به منطقه، روستائیان تحت تأثیر شیوه معماری مسکن شهری که توسط غیربومیان در منطقه جهت اقامت‌های کوتاه و موقت بنا می‌شد، قرار گرفتند و همین امر باعث شد در طی این ۲۵ سال درصد مناسبی از مسکن منطقه را (۳۰ درصد) به خود اختصاص دهند.

جدول ۴. قدمت و عمر مسکن روستایی در روستاهای مورد مطالعه - سال ۱۳۸۹

نام روستا	کمتر از ۱۰ سال	۱۰-۲۰ سال	۲۰-۳۰ سال	۳۰-۴۰ سال	بیشتر از ۴۰ سال	جمع	درصد				
							جمع	۴۰ سال به بالا	۳۰-۴۰ سال	۲۰-۳۰ سال	۱۰-۲۰ سال
برسه	۱۷	۱۳	۹	۸	۱۲	۵۹	۲۹	۲۲	۱۵	۱۳	۲۰
میانکوه	۱۶	۱۲	۱۰	۷	۶	۵۱	۳۱	۲۳	۲۰	۱۴	۱۲
پائین اشتوج	۵	۴	۵	۵	۵	۲۴	۲۱	۲۱	۲۱	۱۶	۲۱
بالا اشتوج	۷	۴	۵	۵	۵	۲۶	۱۹	۱۹	۱۹	۱۵	۲۷
هلوکله	۴	۸	۵	۶	۴	۲۷	۱۵	۲۲	۱۸	۳۰	۱۵
جمع نقاط نمونه	۴۹	۴۱	۳۴	۳۱	۳۲	۱۸۷	۲۶	۲۲	۱۸	۱۷	۱۷

منبع: مطالعات میدانی-۱۴۰۲

تحولات مسکن و نقش آن در اقتصاد خانوار

میراث روستایی شامل معماری و چشم‌اندازهای ویژه آن است. اینها مسکن و واحدهای تولیدی را شامل می‌شوند که در طی دوره‌های زمانی شکل گرفته‌اند و تا مکانیزه شدن ناشی از توسعه صنعتی بوجود آمده و گسترش یافته‌اند (sangiorgi,2008:5). یکی از تفاوت‌های اساسی میان مسکن سنتی و مسکن جدید تفاوت کارکردهاست که به لحاظ تغییر الگو، کاهش مساحت و زیربنا، تغییر بافت روستا و ... حادث شده است. عمده‌ترین تحولات در مسکن بومی به سه دسته تقسیم می‌شود که در نتیجه تغییرات فوق کارکردهای مسکن نیز دچار تحول و تغییر گشته است:

- تغییر در تپ و الگوی مسکن
- تغییر در مصالح و مواد ساختمانی
- تغییر در ابعاد و هزینه ساخت مسکن
- **تغییر در تپ و الگوی مسکن:** در مسکن جدید تعداد فضاهای داخل منزل نسبت به مسکن سنتی بیشتر است و از امکاناتی مانند سرویس بهداشتی درون فضای مسکن برخوردارند. همچنین تعداد پنجره‌ها و ابعاد آن در مسکن جدید بیشتر و بزرگتر است. گرچه در فرم جدید نیز مسکن بصورت دو طبقه ساخته می‌شود، اما طبقه زیرین به عنوان انبار محصولات و ادوات کشاورزی یا جهت سکونت خانوار در زمان اجاره مسکن به گردشگران مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- **تغییر در مصالح و مواد ساختمانی:** تغییراتی که مصالح جدید در بافت مسکن روستایی ایجاد نموده‌اند، می‌توان از پوشش بام در بعضی منازل نام برد. در سالهای بعد از ۱۳۵۰ با ساخت مسکن زیگامه، استفاده از ورقهای حلب به جای پوشش تخته‌ای، شیروانی متداول گشت. هرچند این تغییر بدون تردید مزایایی را برای ساکنان دربر دارد و نیاز به تعمیرات سالانه ندارد و خطر آتش‌سوزی را کاهش می‌دهد ولی بارش باران، سروصدای زیادی به راه می‌اندازد و عایق مناسبی جهت حفاظت از گرما و سرما نسبت به پوشش تخته و چوب نیست. همچنین می‌توان به مصالح بکار برده شده در دیوارها و یا درب و پنجره‌ها و مسکن اشاره نمود.
- **تغییر در ابعاد و هزینه ساخت مسکن:** هزینه مسکن را می‌توان به منزله معیار درجه دسترسی خانواده‌ها به مسکن قابل قبول و محیط مناسب به شمار آورد (زنجانی، ۱۳۷۴: ۱۳۹). در غالب روستاها، به دلیل دسترسی به مصالح در محل، هزینه ساختمان پائین است. موضوع بسیار مهم این است که چه مقدار از درآمد حاصل از نوع فعالیت اقتصادی و تولیدی هر خانواده روستایی می‌تواند صرف مسکن شود. حتی در مناطقی که منابع و مصالح ساختمانی در محیط قرار دارند و ارزان هستند، باز هم تولید سرپناه مقداری هزینه بر خانواده تحمیل می‌کند. اما در مسکن جدید، مصالح به صورت وارداتی است و متضمن هزینه و حمل و نقل می‌باشد. همچنین دستمزد ساختمان‌سازی نیز هزینه‌ای جدا می‌طلبد. از آنجائیکه این نوع مسکن هزینه بالایی می‌طلبد، در نتیجه روستایی جهت تأمین هزینه ساخت آن، ناگزیر به فروش زمین و یا دام است. همچنین تغییراتی نیز در ابعاد مسکن مشاهده می‌شود تحولاتی که بیان گردید، موجب تغییر کارکرد در مسکن جدید می‌شوند و تمامی

فضاهای اختصاص داده شده به دام و طیور، فرآورده‌های آنها، انبار محصولات و غیره، حذف گردیده و یا تغییر موضع داده و مسکن از حالت چندمنظوره خارج شده و فقط به محلی برای استراحت افراد تبدیل می‌گردد.

نتیجه گیری

عوامل بسیار مؤثر و قابل اهمیتی بر نحوه شکل‌گیری و استقرار سکونتگاههای روستایی کوهپایه‌ای و کوهستانی (دهستان دوهزار) دخالت داشته که مهمترین آن عبارت است از قابلیت‌های گردشگری منطقه (چشم‌اندازهای طبیعی) که نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای بر فرم وبافت روستاهای ناحیه مورد مطالعه دارد. به طوریکه سبب جذب گردشگران زیادی گردیده که نتیجه آن ایجاد تحولات اقتصادی، فرهنگی و کالبدی در سطح روستاهاست. در این ارتباط در سالهای اخیر روند فزاینده حضور گردشگران، به شکل انبوه و بدون توجه به ظرفیت زیرساختها، فرهنگ بومی و... علاوه بر داشتن مزایا و محسنات اقتصادی، معیشتی و غیره، ناپایداری سکونتگاههای روستایی را از ابعاد اکولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی در برداشته است. بطوریکه امروزه تغییر کاربری اراضی کشاورزی به منظور ویلاسازی و روند افسارگسیخته آن سبب تغییر کارکردهای روستایی از یک عامل تولیدکننده به یک نیروی مصرف‌کننده شده است. یکی از این تغییرکارکردها را می‌توان در مسکن سنتی روستایی یافت. که نتیجه تغییر شکل، فرم و معماری آن از شیوه سنتی به سبک شهری است. مسکن ناحیه مورد مطالعه را از لحاظ شکل و آرایش بیرونی و نوع مصالح می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی نمود. مسکن سنتی و مسکن جدید، مسکن سنتی و بومی دو دسته هستند: مسکن دارورچین و مسکن زیگامه. مسکن نوع اول قدمتی بیش از ۴۰ سال دارد و مسکن زیگامه ۲۵ تا ۳۰ سال پیش در منطقه پدیدار شده‌اند. ساخت مسکن جدید از سال ۱۳۶۵ به بعد با احداث جاده مناسب و آسفالت (تنکابن به دهستان دوهزار) و به تبع هجوم فزاینده گردشگران و تأثیرپذیری از ورود آنان به منطقه آغاز گردید.

با تغییر و دگرگونی در مسکن روستایی، بسیاری از ابعاد و فضاهای مسکن دچار تحول گشت. مصالح بکار رفته در مسکن سنتی از محیط پیرامون روستا به دست می‌آمد و مسکن با کمترین هزینه و در سازگاری و انطباق با محیط ساخته می‌شد. کارکردهای مسکن در فرم سنتی با توجه به نوع معیشت و اقتصاد روستائیان (دامداری و باغداری) می‌باشد، اما در مسکن جدید این کارکردها حذف و یا جای خود را به کارکردهای جدید به تناسب نیاز ساکنان آن مسکن داده است. روستاهای برسه، میانکوه و بالااشتوج به دلیل مجاورت با جاده اصلی و خدمات و تسهیلات رفاهی بیشتر جاذب گردشگران بیشتری بوده‌اند. و نسبت به روستاهای هلوکله و پائین اشتوج که فاقد راه ارتباطی مناسب و امکانات و تسهیلات خدماتی و رفاهی هستند، بیشتر تحت تأثیر ساخت و ساز و فرهنگ گردشگران قرار گرفتند. و اقدام به فروش زمین و دام خود نمودند تا بتوانند از عهده هزینه ساخت مسکن جدید برآیند. در نتیجه در مسکن جدید، بسیاری از فضاها و عملکردها تغییر یافت. ابعاد مسکن، تعداد درب و پنجره، نوع مصالح، بام، تعداد و مساحت اتاقها و بسیاری دیگر از اجزاء مسکن دچار تحول گشت. با این که در مسکن جدید ضریب اطمینان و استحکام بنا از لحاظ مقاومت در برابر حوادث و بلایای طبیعی و ساختمانی در مقایسه با مسکن سنتی بسیار بالا است اما نوع معیشت و فعالیت اقتصادی در افراد در ارتباط و انطباق بیشتری با مسکن سنتی و بومی منطقه می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت، تعداد و درصد مسکن جدید در منطقه روزه‌روز در حال افزایش است و در آینده‌ای نه چندان دور مسکن سنتی و بومی جای خود را به این گونه مسکن با کارکردهای جدید می‌دهند.

منابع

- ایستگاه هواشناسی شهرستان رامسر، ۱۳۸۹، اداره کل هواشناسی استان مازندران
- حسن‌نژاد، معصومه، ۱۳۸۱، «نقش جاذبه‌های طبیعی در تحول مسکن سنتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مشهد. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۲، بینش‌ها و فنون، انتشارات سمت.
- سازمان برنامه و بودجه، معاونت آمار و اطلاعات، آمارنامه استان مازندران، سال ۸۵-۱۳۶۵.
- سامتی، مرتضی و شهنازی، روح...، ۱۳۸۴، بررسی اثرات اقتصادی بر توریسم، نقش صنعت گردشگری توسعه مازندران، رسانش، چاپ اول، تهران.
- سرتیبی‌پور، محسن، ۱۳۸۴، «شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۳)، الزامات اجتماعی، اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی، مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، ج ۲.
- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی، توسعه، شماره ۲۳.

- شریف‌زاده، ابوالقاسم و مرادنژاد، همایون ۱۳۸۱، توسعه پایدار و توریسم روستایی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۰. ۱۰- زرگر، اکبر، ۱۳۷۸، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- زنجانی، حبیب‌ا...، ۱۳۷۴، برآورد نیاز به مسکن در ۲۰ سال آینده، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، ج اول.
- فتاحی کنعانی، ۱۳۸۴، ایرج، ۱۳۸۴، توریسم و تأثیر آن بر جوامع روستایی، نشریه دهاتی، شماره ۲۰.
- فرهنگی منش، ساسان، ۱۳۷۴، نگاهی به وضعیت مسکن در گیلان، مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، ج ۲.
- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادی‌های کشور، شهرستان تنکابن، سال ۱۳۸۵.
- مقصودی، طهماسب (۱۳۸۳)، توریسم و توسعه روستایی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۴۶.
- مهندسین مشاور میراث فرهنگی، ۱۳۸۷، طرح پژوهشی میراث روستایی غرب مازندران، سازمان میراث فرهنگی استان مازندران.
- Sangiorgi, Franco, 2008, "The Vernacular rural heritage: from the past to the future, Futuropa (A council of Europe Magazine), n1, p: 4.
- Altiparmakovska, Victoria Mameva, (2008), "verna architecture in the former Yugoslav Republic of Macedonia donia", Futurpa (Acouncil of Europe Magazine, n1, p: 9.
- Gunn, Clare A, 2002, Tourism planning: Basic concepts cases, New York and London: Rutledge.
- Gaukstad, Even, (2008), Small sacred architecture: an indispen sable part of the land scape, not only in slovakia, Futuropa (A council of Eouope magazine, n1,p: 12.
- Dragaoni, Gabriella battaini, 2008, The rural vernacular habitat, a heritage in our land scape, Futuropa (A council of Eouope Magazine). n1, p: 3.